

UNDERSTANDING PEOPLE

Lesson 1

اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

Grammar

جمله‌های ساده

Writing

راهبردهایی برای درک مطلب (۱)

Reading



درس نامه

G RAMMAR

اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش (Countable and Uncountable Nouns)

در سال گذشته دیدیم که اسم‌ها می‌توانند مفرد (singular) و یا جمع (plural) باشند.

a boy → two boys
مفرد → جمع

a pen → some pens
مفرد → جمع

اسم‌هایی مانند **boy** و **pen** که می‌توانند به شمارش در آیند و جمع بسته شوند، اصطلاحاً اسم قابل شمارش (Countable Nouns)

نامیده می‌شوند. مثلاً می‌توانیم بگوییم:

a boy / one girl / two boys / many books

در مقابل، اسم‌هایی مانند **water** و **homework** که نمی‌توان آن‌ها را شمرد، اسم غیرقابل شمارش (Uncountable Nouns) نام

دارند. مثلاً نمی‌توان گفت:

~~a water / one milk / two homeworks~~

بنابراین، اسم‌های غیرقابل شمارش فقط می‌توانند در حالت مفرد به کار روند و جمع بسته نمی‌شوند. پس نمی‌توان گفت:

~~informations / milks / homeworks~~

نکته: ممکن است کلمه‌ای در زبان فارسی اسم قابل شمارش در نظر گرفته شود، اما معادل همان کلمه در انگلیسی، غیرقابل شمارش

باشد و بر عکس. بنابراین ملاک ما در این‌جا زبان انگلیسی است. مثلاً کلمه‌ی **money** به معنای پول، در انگلیسی غیرقابل شمارش است

و جمع بسته نمی‌شود؛ اما ممکن است این کلمه در فارسی به صورت جمع هم به کار رود.

UNDERSTANDING PEOPLE

اسم‌های قابل شمارش در انگلیسی را می‌توان به موارد زیر نسبت داد:

۱- افراد: a student, an artist, a man

۲- حیوانات: a lion, an elephant

۳- گیاهان: a tree, a flower

۴- اشیا: an umbrella, a pen

اسم‌های غیرقابل شمارش در انگلیسی می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

۱- اسم‌های معنا (Abstract Nouns): love (عشق)، hate (نفرت)، beauty (زیبایی)

۲- مایعات: water (آب)، milk (شیر)، blood (خون)

۳- گازها: air (هوا)، steam (بخار)

۴- مواد و جنس: wood (چوب)، iron (آهن)، fabric (پارچه)

۵- موادی که از اجزای کوچک‌تر ساخته شده و به صورت حجم انبوه و توده هستند: sugar (شکر)، rice (برنج)، sand (شن)

دیدیم که اسم‌های غیرقابل شمارش جمع بسته نمی‌شوند و با فعل‌های مفرد به کار می‌روند. اما اگر بخواهیم آن‌ها را به صورت جمع به

کار ببریم، لازم است که قبل از این اسم‌ها، واحدهای خاص آن‌ها را استفاده کنیم. مثلاً:

I drank two glasses of water a few minutes ago.

من چند دقیقه‌ی قبل دو لیوان آب نوشیدم.

Please buy a loaf of bread.

لطفاً یک قرص نان بخر.

I usually eat some pieces of cheese and two loaves of bread for breakfast.

من معمولاً برای صبحانه، چند تکه پنیر و دو قرص نان می‌خورم.



مقایسه‌ی اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش:

۱- قبل از اسم‌های قابل شمارش می‌توان از **a, an** یا عدد استفاده کرد، اما اسم‌های غیرقابل شمارش چنین قابلیتی ندارند:

There is **an elephant** in the zoo.

There are **three elephants** in the zoo.

۲- پیش از اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش می‌توان از کلماتی مانند **some** (تعدادی / مقداری)، **a lot of** و **lots of** (تعداد زیاد / مقدار زیاد) استفاده کرد:

There are **some eggs** in the fridge.

There is **some milk** in the fridge.

I can see **a lot of / lots of students** in the yard.

There is **a lot of / lots of** milk in the bottle.

نکته: **a lot of** و **lots of** صفت محسوب می‌شوند و قبل از اسم به کار می‌روند، اما **a lot** قید است و در آخر جمله بعد از یک فعل

استفاده می‌شود:

She drinks **a lot of / lots of water** every day.

اسم صفت

She **drinks** water **a lot**.

فعل قید

۳- اسم‌های غیرقابل شمارش همیشه به شکل مفرد به کار می‌روند، در نتیجه فعل همراه آن‌ها نیز به صورت مفرد خواهد بود:

There is some **rice** in the bag.

۴- پیش از اسم‌های قابل شمارش جمع می‌توان از کلماتی مانند many (تعداد زیاد)، a few (تعداد کم) و few (تعداد بسیار کم) و

fewer (تعداد کمتر) استفاده کرد. در مقابل، پیش از اسم‌های غیرقابل شمارش باید از much (مقدار زیاد)، a little (مقدار کم) و

little (مقدار خیلی کم) و less (مقدار کمتر) استفاده کنیم:

There are many apples in the basket.

سیب‌های زیادی در سبد هستند.

There are a few apples in the basket.

تعداد کمی سیب در سبد هست. (فعلاً کافی است!)

There are few apples in the basket.

تعداد بسیار کمی سیب در سبد هست. (برای همه کافی نیست!)

I have fewer books than you.

من کتاب‌های کمتری نسبت به شما دارم.

There is much sugar in the sugar pot.

شکر زیادی در جا شگری هست.

There is a little sugar in the sugar pot.

مقدار کمی شکر در جا شگری هست. (فعلاً کافی است!)

There is little sugar in the sugar pot.

مقدار خیلی کمی شکر در جا شگری هست. (برای همه کافی نیست!)

I have got less ice cream than you.

من بستنی کمتری نسبت به شما دارم.

۵- در جمله‌های منفی پیش از اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش می‌توان از “any” (هیچ) استفاده کرد:

There aren't any students in the classroom.

هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست.

There isn't any water in the glass.

هیچ آبی در لیوان نیست.

نکته: به جای “any” در جمله‌های فوق می‌توان از صفت “no” به معنای «هیچ» نیز قبل از اسم‌های قابل شمارش و غیرقابل شمارش استفاده کرد، اما توجه داشته باشید که فعل همراه این صفت باید مثبت باشد نه منفی.

There are no students in the classroom.

هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست.

There is no water in the glass.

هیچ آبی در لیوان نیست.

۶- در جمله‌های سؤالی از **How many** (چه تعداد/چند تا) پیش از اسم‌های قابل شمارش و از **How much** (چه مقدار) پیش از اسم‌های غیرقابل شمارش استفاده می‌کنیم:

How many cars are there in the road?

چند خودرو در جاده هست؟

How much butter do you need?

چه مقدار (چه قدر) کره نیاز دارید؟

همان‌طور که پیش از این گفتیم، اسم‌های غیرقابل شمارش جمع بسته نمی‌شوند و نمی‌توانند به تنهایی با فعل جمع به کار روند. این اسم‌ها در حالت جمع فقط با واحدهای خاص خود استفاده می‌شوند. یادگیری واحدهای مخصوص هر اسم غیرقابل شمارش را اکیداً به شما توصیه می‌کنیم.

واحد‌های مهم برای برخی اسم‌های غیر قابل شمارش را در جدول ببینید:

a bag of	rice / flour / sugar	یک کیسه برنج / آرد / شکر
a bar of	chocolate / soap / gold	یک بسته شکلات / یک قالب صابون / یک شمش طلا
a bottle of	milk / water / soda pop	یک بطری شیر / آب / نوشابه
a bowl of	soup / rice / cereal	یک کاسه سوپ / پلو / حبوبات
a box of	paper / cereal	یک بسته کاغذ / حبوبات
a can of	cream / soda pop / tuna	یک قوطی خامه / نوشابه / تن ماهی
a cup of	coffee / tea / milk	یک فنجان قهوه / چای / شیر
a glass of	water / juice / soda pop	یک لیوان آب / آب میوه / نوشابه
a jar of	honey / jam / peanut butter	یک شیشه عسل / مربا / کره‌ی بادام زمینی
a kilo of	rice / cheese	یک کیلو برنج / پنیر
a loaf of	bread / meat	یک قرص نان / یک تکه گوشت
a piece of	cake / fruit / pizza / cheese	یک تکه (قطعه) کیک / میوه / پیتزا / پنیر
a slice of	bread / cheese / meat / banana / cake	یک تکه (برش) نان / پنیر / گوشت / موز / کیک
a tube of	toothpaste / glue	یک لوله (بسته) خمیر دندان / چسب



نکته: بعضی اسم‌ها در انگلیسی بسته به معنی آن‌ها هم می‌توانند قابل شمارش و هم غیرقابل شمارش باشند. به طور مثال **time** اگر به

معنی «دفعه» باشد، اسم قابل شمارش است ولی اگر به معنی «زمان» باشد، غیرقابل شمارش خواهد بود. همین طور **light** اگر به معنی

«لامپ» باشد، قابل شمارش ولی اگر به معنی «روشنایی و نور» باشد، غیرقابل شمارش است.

WRITING

جمله‌های ساده

به گروهی از کلمات که بیانگر مفهوم کاملی باشند، اصطلاحاً جمله (Sentence) می‌گوییم. جمله‌ی ساده (Simple Sentence)

در زبان انگلیسی، حداقل دارای یک نهاد (Subject) و یک فعل (Verb) است. نهاد یا فاعل جمله (Subject) را می‌توان در جواب

«چه کسی» (who) یا «چه چیزی» (what) شناسایی کرد. به این جمله‌های ساده نگاه کنید:

Tom went.

تام رفت.

She is laughing.

او دارد می‌خندد.

The little bird cannot fly.

آن پرنده‌ی کوچک نمی‌تواند پرواز کند.

کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده‌ایم، نهاد یا فاعل جمله هستند؛ زیرا قبل از فعل آمده‌اند و در جواب «چه کسی» یا «چه چیزی» در

جمله به کار می‌روند. مثلاً در جمله‌ی اول می‌گوییم: چه کسی رفت؟ و جواب این سؤال «تام» است، یا در جمله‌ی سوم می‌پرسیم: چه

چیزی نمی‌تواند پرواز کند؟ و پاسخ می‌دهیم: «آن پرنده‌ی کوچک».

رکن دیگر جمله‌ی ساده، فعل (Verb) است. کاملاً مشخص است که فعل جمله مربوط به «عمل» یا «کاری» است که در جمله از آن

حرف می‌زنیم. فعل جمله را می‌توان در جواب «چه کار» شناسایی کرد. مثلاً در جمله‌ی اول می‌پرسیم: «تام چه کار کرد؟» و جواب

می‌دهیم: «رفت» یا در جمله‌ی دوم می‌توانیم بپرسیم: «او دارد چه کار می‌کند؟» و پاسخ می‌دهیم: «دارد می‌خندد.»

نهاد یا فاعل جمله می‌تواند اسم شخص مثل Tom یا اسم یک چیز مثل the little bird (در مثال‌های بالا) باشد. گاهی نهاد می‌تواند

با یک ضمیر فاعلی (Subject Pronoun) مانند she در جمله بیان شود. ضمائر فاعلی در زبان انگلیسی که پیش از فعل

به کار می‌روند عبارتند از:

ما	We	من	I
شما	You	تو	You
آنها	They	او (آقا) / او (خانم) / آن	He / She / It

نکته: جمله‌ها را با حروف بزرگ (capital letter) آغاز و با یک نقطه (period) تمام کنید.

آن خانم از پله‌ها افتاد. The woman fell down the stairs. برادرم دیر کرد. My brother was late.

جمله‌ی ساده می‌تواند دارای مفعول (Object) هم باشد. مفعول جمله را می‌توان در جواب «چه کسی را» (whom) و یا «چه چیزی را»

(what) پیدا کرد. به این جمله‌ها نگاه کنید:

من دیروز معلم انگلیسی‌ام را دیدم. I saw my English teacher yesterday.

او هر روز فیزیک می‌خواند. He studies physics every day.

ما دیشب آنها را ملاقات کردیم. We visited them last night.

همان‌طور که گفتیم مفعول جمله را می‌توان در پاسخ به «چه کسی را» یا «چه چیزی را» به راحتی شناسایی کرد. مثلاً در سؤال اول

می‌توانیم بپرسیم: من دیروز چه کسی را دیدم؟ «معلم انگلیسی‌ام»

یا در جمله‌ی دوم می‌پرسیم: او هر روز چه چیزی را می‌خواند؟ «فیزیک»

مفعول جمله می‌تواند اسم یک شخص یا اسم یک چیز باشد. گاهی مفعول جمله با یک ضمیر مفعولی (Object Pronoun) مانند

them در جمله‌ی بالا بیان می‌شود. ضمائر مفعولی در زبان انگلیسی که بعد از فعل به کار می‌روند عبارتند از:

ما را	us	مرا	me
شما	you	تو را	you
آنها	them	او را (آقا) / او را (خانم) / آن را	him / her / it

جمله‌های ساده گاهی دارای اطلاعات اضافی (additional information) در مورد زمان، مکان، نحوه‌ی انجام کار و ... هستند که با

استفاده از قیده‌های زمان مثل now (حالا)، yesterday (دیروز)، tomorrow (فردا)؛ یا قیده‌های مکان مثل at school (در مدرسه)،

outside (بیرون)، there (آن جا) و قیده‌های حالت مثل slowly (به آهستگی)، happily (با خوشحالی)، carelessly (با بی‌دقتی) و یا

قیده‌های تکرار مانند usually (معمولاً)، never (هرگز)، sometimes (گاهی) بیان می‌شوند. به جمله‌ی زیر نگاه کنید:

I often listen to the teacher carefully in the classroom every day.

فاعل قید تکرار فعل مفعول قید حالت قید مکان قید زمان

من اغلب هر روز با دقت در کلاس به معلم گوش می‌دهم.

READING

راهنمایی برای درک مطلب (۱)

کلمات نا آشنا و مشکل را نادیده بگیرید!

ناگفته پیداست که هرچه تعداد کلمات بیشتری را یاد گرفته باشیم، درک جمله‌های متن برای ما ساده‌تر خواهد شد. بنابراین، قبل از آزمون باید کاملاً خود را آماده کرده باشیم. اما بسیار محتمل است که در متن‌ها با کلماتی برخورد کنیم که تا به حال ندیده و یا نشنیده‌ایم. چاره چیست؟ آیا باید دست و پیمان را گم کنیم؟! مطمئناً این راه حل خوبی نیست. باید سعی کنیم از کلمه‌های دور و بر کلمه‌ی نا آشنا، معنی آن را حدس بزنیم. یادمان باشد که قرار نیست ما معنی تمام کلمات متن را بدانیم. باید از تمام امکانات موجود در متن استفاده کنیم تا به درکی کلی از جمله‌های داده شده دست پیدا کنیم. خیلی از موارد، کلمات نا آشنای موجود در متن، مشکلی در فهم کلی جمله ایجاد نمی‌کنند. در این گونه موارد کافی است بدون توجه به این کلمات پیش برویم.

بر دو مهارت *skimming* و *scanning* تسلط یابید!

همان‌طور که پیش از این گفتیم؛ مشکل اصلی بسیاری از داوطلبان در آزمون‌های مختلف، نداشتن زمان کافی برای پاسخ‌گویی است. در پاسخ‌گویی به سؤالات درک متن، شکل ایده‌آل آن است که داوطلب ابتدا با آرامش خاطر، متن را بخواند و بعد از درک جزء به جزء متن، به سؤالات مربوط جواب دهد. در کنکور اما چنین فرصتی به داوطلب داده نمی‌شود! به علاوه، فضای روانی حاکم بر آزمون‌های کنکور نیز ممکن است تا حد زیادی بر عملکرد داوطلبان تاثیر منفی بگذارد و مانع دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب شود. برای رسیدن به مقصود، باید بر دو مهارت بسیار مهم یعنی *skimming* و *scanning* که ارتباطی تنگاتنگ با مهارت سریع‌خوانی دارند، تسلط یابیم.

از نظر لغوی **skimming** به معنی سریع نگاه کردن به متن برای یافتن مفهوم کلی است. در **skimming** هدف ما آن است که با

بررسی سریع متن، ایده‌ی کلی و عصاره‌ی آن را درک کنیم. این کار معمولاً با خواندن جمله‌ی اول هر پاراگراف حاصل خواهد شد.

سؤالاتی که به **topic main idea** و **title** مربوط هستند، اغلب با خواندن جمله‌های اول متن، قابل پاسخ‌گویی هستند.

در مهارت **scanning** اما، متن را سریع از نظر می‌گذرانیم تا اطلاعات خاصی را پیدا کنیم. این اطلاعات خاص ممکن است نام یک فرد،

نام یک مکان خاص، یک عدد خاص و یا هر چیزی شبیه آن باشد. سؤالاتی که مربوط به جزئیات متن می‌شوند باید با استفاده از

scanning پاسخ گفته شوند. مسلم است سؤالاتی که به جزئیات متن مربوط می‌شوند، نیازمند دقت بیشتری خواهند بود. تسلط بر دو

مهارت فوق، از ابزارهای اصلی و بسیار تاثیرگذار در برخورد با متن‌های کنکور به شمار می‌رود.

FOCUS ON THE USAGE

کلمه‌های جدید + کاربرد

Understand: I tried to understand him.

من سعی کردم او را درک کنم.

Language: Farsi is one of the most beautiful languages in the world.

فارسی یکی از زیباترین زبان‌ها در دنیا است.

Half: I could only eat half of the cake.

من توانستم فقط نصف کیک را بخورم.

Available: New products are available in the store.

محصولات جدید در مغازه موجود هستند.

Deaf: They are deaf, but they can communicate with other people.

آن‌ها ناشنوا هستند، ولی می‌توانند با بقیه‌ی افراد ارتباط برقرار کنند.

Sign language: Sign language is not hard for the deaf.

زبان اشاره برای افراد ناشنوا سخت نیست.

Country: Our country is not as big as China.

کشور ما به بزرگی چین نیست.

Circle: Circle the languages that you know well.

دور زبان‌هایی که به خوبی بلد هستید، دایره بکشید.

Match: Your answers do not match the questions.

جواب‌های شما با سؤال‌ها مطابق نیستند.

Turn off: My father turned his phone off when he drove out of the parking lot.

پدرم وقتی از پارکینگ خارج شد، تلفنش را خاموش کرد.

Swim: I like swimming.

من شنا کردن را دوست دارم.

Grass: Many people are quietly walking near the grass.

بسیاری افراد دارند به آرامی نزدیک چمن راه می‌روند.

Frequently: What activity do you frequently do?

شما چه فعالیتی را به طور مکرر انجام می‌دهید؟

Foreign: I don't like to speak a foreign language in my own country.

من دوست ندارم در کشور خودم به یک زبان خارجی صحبت کنم.



Foreigner: The foreigners could speak Farsi very well.

خارجی‌ها می‌توانستند خیلی خوب فارسی صحبت کنند.

Mother tongue: My mother tongue is Farsi and I absolutely like it.

زبان مادری من فارسی است و من حقیقتاً آن را دوست دارم.

Continent: A continent has many countries, and a country has many regions.

یک قاره کشورهای زیادی و یک کشور مناطق زیادی دارد.

Native: Many languages lost their native speakers which means they do not exist anymore.

بسیاری از زبان‌ها متکلم‌های بومی خود را از دست داده‌اند که به این معنی است که دیگر وجود ندارند.

Range: Their food ranges from vegetables to meat.

از سبزیجات تا گوشت در گستره‌ی غذای آن‌ها وجود دارد.

Percent: 70 percent of the people in my town are reading this popular book.

۷۰ درصد از مردم در شهر من دارند این کتاب مشهور را می‌خوانند.

Imagine: Imagine that your parents could not meet your needs.

تصوّر کن که والدینت نمی‌توانستند پاسخ‌گوی نیازهای تو باشند.

Century: There are 100 years in a century.

در یک قرن صد سال هست.

Society: The society is controlled by means of government.

جامعه از طریق حکومت کنترل می‌شود.

Ability: The ability to use language properly varies from person to person.

توانایی درست استفاده کردن از زبان از شخصی تا شخص دیگر متغیر است.

Despite: Despite their cruel culture, they make up a large part of the society.

علی رغم فرهنگ ظالمانه‌شان، آن‌ها بخشی بزرگ از جامعه را تشکیل می‌دهند.

Through: More than a billion people in the world study through the Net.

بیش از یک میلیارد از افراد جهان از طریق اینترنت درس می‌خوانند.

Valuable: We should respect only the valuable beliefs of our society.

ما باید فقط به عقاید ارزشمند جامعه‌مان احترام بگذاریم.

Synonym: "Watch" is a synonym for "see".

کلمه‌ی تماشا کردن یک هم‌معنی برای کلمه‌ی دیدن است.

Tiny: These books are really useful. Besides, they are very tiny.

این کتاب‌ها واقعاً مفید هستند. به علاوه آن‌ها خیلی کوچک‌اند.

Nearly: He nearly went all the way.

او تقریباً تمام راه را رفت.

Researcher: The researcher said that this language has a lot of uncountable words.

آن محقق گفت که این زبان کلمات غیرقابل شمارش بسیاری دارد.

Pencil-sharpener: Can I borrow your pencil-sharpener for a second?

آیا می‌توانم مدادتراش شما را لحظه‌ای قرض بگیرم؟



تمرین های تشریحی

(آمادگی برای امتحانات مدرسه)



A. Odd one out.

(مکمل صفحه های ۳۰ کتاب درسی)

- | | | | |
|-------------------|-------------|-------------|-----------|
| 1. a. butter | b. water | c. milk | d. orange |
| 2. a. information | b. advice | c. sandwich | d. cheese |
| 3. a. rice | b. apple | c. bird | d. insect |
| 4. a. sugar | b. pizza | c. bottle | d. tea |
| 5. a. traffic | b. language | c. bread | d. oxygen |

B. Fill in the blanks with the words given. (There is one extra word.)

(مکمل صفحه های ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی)

how much / a loaf of / a little / a lot / a jar of / bottles / some / a bag of / no / any
bottles of / loaves of / few packets

George: I'm going out. Do you want anything?

Sally: Could you buy ...**(6)**... stuff from the shop?

George: All right. What do you want?

Sally: Well, we haven't got much milk.

George: ...**(7)**... milk do you want?

Sally: We need two ...**(8)**... milk.

George: How about strawberry jam? Have we got any jam?

Sally: Oh yes, there isn't ...**(9)**... jam left. We need ...**(10)**... carrot jam. And also we've finished the butter. We need some butter.

George: OK. I think I've finished the last coke. I'll buy 5 or 6 ...**(11)**... of soda.

Sally: OK. There's ...**(12)**... oil left. Please, buy a bottle of oil. And there isn't much bread left.

George: How many ...**(13)**... bread do you want?

Sally: ...**(14)**... brown bread is enough. Would you like some coffee after dinner?

George: Of course.

Sally: Then, buy us ...**(15)**... coffee. At last, we only have ...**(16)**... of pasta. Could you buy some more pasta? You know we eat pasta almost every day.

George: OK, no problem.

Sally: One more thing. Don't buy any nuts. We have got ...**(17)**... .

George: All right!

C. Put the words in correct order.

(مکمل صفحه‌های ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی)

18. drink / small / a lot of / children / should / milk.
19. bottles of / I / three / picnic / bought / mineral / for / our / water.
20. get fat / eat / chocolate/ or / don't / will / so much / you.
21. for / pie / you / much / need / sugar / an / do / apple?
22. much / tea / did / drink / last / you / how / night?

D. Underline the grammatical mistakes in the following sentences and then correct them.

(مکمل صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

23. When I went to Paris I visited many interesting museum.
24. Have you got many bread?
25. She speaks good Italian but only a few German.
26. I haven't got some homework to do tonight.
27. I don't need any advices from you. You don't understand the problem.

E. Match the items in column A with the appropriate items in column B. (There is one extra item in B.)

(مکمل صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)

A	B
28. Don't close the door.	a. but he still failed.
29. I'm very busy.	b. they prefer to study at night.
30. Please be careful when writing.	c. Perhaps he has lost something.
31. He had a lot of time to study.	d. I have no time to talk to you.
32. He's looking under his bed.	e. There are lots of mistakes in your essay.
	f. There are still many children outside.

F. Crossword Puzzle.

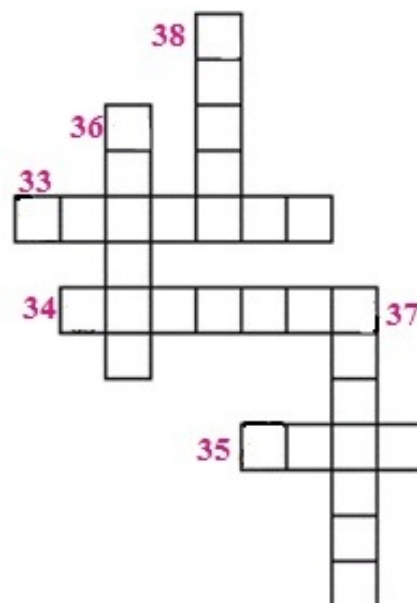
(مکمل صفحه‌های ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی)

Across

33. Please give me bread.
34. Eating chocolate is unhealthy.
35. She likes to eat chicken for dinner.

Down

36. There are beautiful birds on that tree.
37. traffic is there on the freeway now?
38. You haven't passed the exams, you've passed only a few.





VOCABULARY

A. Fill in the blanks with given words. (One word is extra.) (مکمل صفحه‌های ۲۳، ۲۴ و ۳۰ کتاب درسی)

exchange / signs / point / measure / means / communicate / vary

39. Animals such as bees and ants have special systems to with each other.
40. It is necessary for all drivers to pay attention to the traffic carefully.
41. Language is said to be the most important of communication.
42. The cost of living is likely to depending on which city you live.
43. Languages enable people of the world to their thoughts and opinions.
44. Deaf people can take the speaker's by the sign language.

B. Find the synonyms of the underlined words from the column B. (One word is extra in column B.)

(مکمل صفحه‌های ۱۹ تا ۳۱ کتاب درسی)

A	B
45. There are <u>about</u> 7000 languages in the world.	a. varies
46. I think you're <u>absolutely</u> right.	b. specially
47. The students' age in this school <u>ranges</u> from 7 to 12.	c. nearly
48. I'm sure this book will <u>meet</u> your needs.	d. satisfy
	e. completely

C. Find the antonyms of the underlined words from the column B. One word is extra in column B.

(مکمل صفحه‌های ۲۱، ۲۴ و ۲۷ کتاب درسی)

A	B
49. Some languages have no <u>written</u> form.	a. foreign
50. The teacher explained <u>the same</u> subject twice.	b. big
51. English does not have more <u>native</u> speakers than Chinese.	c. injure
52. Ants are <u>tiny</u> animals.	d. different
	e. spoken

D. Fill in the blanks with your own words.

(مکمل صفحه‌های ۱۸، ۲۱ و ۲۵ کتاب درسی)

53. Father was looking for a to park his car.
54. America is the second - largest of the world.
55. A system of communication that uses written and spoken words is called
56. We use the strategy to look for specific information such as names and numbers and better understand a reading passage.

E. Match the words or phrases in column A with the words or phrases from column B. (One word is extra in column B.)

(مکمل صفحه‌های ۱۹، ۲۴، ۲۵ و ۲۸ کتاب درسی)

- A**
57. predictive (.....)
 58. mother (.....)
 59. language (.....)
 60. exchanging (.....)
 61. endangered (.....)
 62. cultural (.....)

- B**
- a. knowledge
 - b. institute
 - c. values
 - d. stress
 - e. tongue
 - f. besides
 - g. languages

F. Odd one out.

(مکمل صفحه‌های ۱۹ تا ۲۵ کتاب درسی)

63. Polish – England – Swedish
64. language – experience – tongue
65. popular – public – native
66. dying out – interest – extinction
67. valuable – useless – worthless
68. live – die – exist

C LOZE TEST

How much did John pay for his car? He paid 500 dollars for it, and ...(69)... to sell it to his friend Jerry next year for only ...(70)... less. Have they already ...(71)... on the price? Yes, although the ...(72)... price depends on the number of miles John has driven the car when Jerry buys it from him.

(مرتبط با صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ کتاب درسی)

- | | | | |
|-----------------|-----------|-------------|---------------|
| 69. 1) expects | 2) enjoys | 3) tells | 4) would like |
| 70. 1) a little | 2) enough | 3) very | 4) little |
| 71. 1) chosen | 2) agreed | 3) insisted | 4) prepared |
| 72. 1) certain | 2) modern | 3) exact | 4) important |

New words are born whenever they are needed. New words are being invented, all the ... (73).... Some new words became ... (74)... of a language just as hello does. That word was kept because it was so ... (75).... Other new words that aren't so useful, may be ... (76)... soon. The world is changing all the time, ... (77)... do words. In fact, every word has a ... (78)... of story behind it, ... (79)... as hello does. Each word is a puzzle.

(مرتبط با صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ کتاب درسی)

- | | | | |
|------------------|--------------|--------------|--------------|
| 73. 1) country | 2) language | 3) time | 4) place |
| 74. 1) part | 2) type | 3) base | 4) top |
| 75. 1) harmful | 2) useful | 3) wonderful | 4) painful |
| 76. 1) forgotten | 2) forbidden | 3) included | 4) organized |
| 77. 1) too | 2) also | 3) so | 4) not |
| 78. 1) cycle | 2) pair | 3) site | 4) kind |
| 79. 1) just | 2) such | 3) either | 4) only |

READING

Speaking a foreign language is what most people want. Every year many people start learning one. Some people try at home with books and tapes. Some use radio or TV programs; thousands go to evening classes. If they use the language only two or three times a week, it will take some time to learn a language, like language learning at school. Some people try to learn language fast by studying for 6 hours or more a day. Some travel to the country where the language is spoken to learn it. However, most people do not have enough money to go there. Some people need the language to do their work better. For example, students, doctors, etc, need it to read foreign books and reports. Others need it for some other purposes.

Whether the language is learnt quickly or slowly, it is hard work. Language labs, good books and tapes will help, but nothing can be as effective as a good teacher.

(مرتبط با صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ کتاب درسی)

80. Language learning at school

- | | |
|--|---|
| 1) almost takes a long time | 2) does not prepare children for life |
| 3) is the quickest way to learn a language | 4) is harder than language learning at home |

81. According to the passage, most people do not have enough money to

- 1) do their work better
- 2) go to evening language classes
- 3) read foreign books and reports
- 4) travel to their intended-language-speaking countries

82. We understand from the passage that learning a language by is the most effective way.

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| 1) the use of labs tapes | 2) the help of a good teacher |
| 3) travelling to other countries | 4) good books and reports |

The fact that a good teacher has the capacity of a good actor does not mean that he will actually be able to act well on the stage; for there are very important differences between the teacher's work and the actor's. The actor has to repeat exactly the same words each time he plays a certain part. What he has to do is to make all the carefully learned words and actions seem natural on the stage. A good teacher works differently. His listeners take an active part in his play; they ask and answer questions, they obey orders, and if they don't understand anything, they say so. The teacher, therefore, has to make his act suitable to the needs of his students. He cannot learn his part by heart like that of an actor. He must invent it as he goes on.

(مرتبط با صفحه‌های ۲۴ تا ۲۶ کتاب درسی)

- 83. When an actor is on the stage, he should** .
- | | |
|-----------------------------------|--|
| 1) be able to act like a teacher | 2) consider the needs of his listeners |
| 3) invent something as he goes on | 4) perform what is in the play |
- 84. The teacher's listeners** .
- | | |
|------------------------------------|----------------------------------|
| 1) always understand him well | 2) are active in his play |
| 3) help the teacher to play a role | 4) make no response in the class |
- 85. From the passage, we understand that teachers and actors** .
- | | |
|----------------------------|------------------------------|
| 1) act differently | 2) are stopped by people |
| 3) have the same listeners | 4) look natural on the stage |

C ONVERSATION

A. Fill in the blanks of the conversation based on the audio track.

(مکمل صفحه‌های ۱۹ و ۲۰ کتاب درسی)

86. The English Major

(Audio length: 00:00:26)

1. A:
2. B:
3. A:
4. B:
5. A:
6. B:
7. A:
8. B:
9. A:
10. B:
11. A:
12. B: